

مقدمه مترجم

طی دو یا سه دهه گذشته، مددکاری اجتماعی در کشورهای دیگر جهان دستخوش تحولات بسیاری شده است. نظریه‌ها، راهبردها و رویکردهای جدیدی در این رشته مطرح شده که آن را غنا و گسترش حیرت‌آوری بخشیده و بار علمی آن را سنگین‌تر کرده است. روند رو به رشد تحولات جهانی و زندگی انسانها و تغییر حیرت‌انگیز امکانات تبادل افکار و اندیشه، نه تنها این تحولات را سرعت بخشیده، بلکه عامل زیربنایی ورود گرایشهای نویی در این رشته بوده است؛ تا آنجا که، امروزه، شاخه‌های سنتی مددکاری اجتماعی (فردی، گروهی، جامعه‌ای، مدیریت و تحقیق) به صورت گرایشهای مجزایی درآمده است و علاوه بر آن، به دلیل ضرورت تغییرات جمعیتی و رفاهی و دلایل دیگر، شاخه‌های جدیدی در زمینه خانواده‌درمانی، مشاوره، بهداشت، صنعت، مراقبت جامعه‌ای، مسکن و امثال آنها، مددکاری اجتماعی را به صورت تخصصی و تک‌رشته‌ای درآورده است. راهبردهای ضد تبعیض در زمینه‌هایی چون، سن‌گرایی، جنسیت‌گرایی، قوم‌گرایی، نژادگرایی، با هدف قرار دادن مسائل جهان امروز، مجموعه علوم اجتماعی و از جمله مددکاری اجتماعی را به سمت مسائل دنیای پسا مدرن سوق داده است. مدیریت‌گرایی با تمام نظریه‌ها و راهبردهای آن، جایگاه وسیعی در این رشته یافته است و دامنه این گسترش، باز هم بسیار وسیع‌تر از آن است که بتوان در یک مقدمه، به تمامی آنها اشاره کرد. اما علی‌رغم این تحولات شگفت‌آور و گسترش حیرت‌انگیز فناوری اطلاعات و ارتباطات، مددکاری اجتماعی در ایران، حتی از دستیابی به منابع پایه «مددکاری اجتماعی عمومی» که در ایران تدریس می‌شود، محروم است. بسیاری از این گرایشها در دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد،

اصلاً مطرح نمی‌شود، برخی نیز (عمدتاً گرایشهای سنتی) به صورت چند واحد درسی تدریس می‌گردد؛ اما متأسفانه همین واحدها نیز فاقد منابع پایه است و یا چند تن از استادان علاقه‌مند و دلسوز، منابع محدودی را ترجمه یا تألیف کرده‌اند که با توجه به مطالب یادشده، نه تنها فاصله بین ما و همتایانمان در دیگر نقاط جهان را پر نمی‌کند، بلکه نمی‌تواند پاسخگوی واحدهای درسی فعلی نیز باشد. مددکاری جامعه‌ای یکی از واحدهای درسی فعلی در دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد است که منبعی برای تدریس ندارد، در حالی که کتاب حاضر، گواه صادق‌گسترش دامنه این گرایش در جهان است. امروزه، مددکاری اجتماعی به منزله یک شاخه مجزا، خود نیز گرایشهای دیگری را به دنبال آورده است و مطالعه کتاب حاضر، گامی بسیار کوچک برای شناسایی این گسترش چشمگیر است.

بر این اساس، ترجمه کتاب حاضر تقدیم تمام مددکاران اجتماعی، استادان و دانشجویان این رشته و تمام کسانی می‌شود که در زمینه کار جامعه‌ای فعالیت دارند. امید است که انگیزه‌ای برای سایر همکاران باشد تا برای غنا بخشیدن به منابع این گرایش و سایر گرایشهای سنتی و نو مددکاران اجتماعی کمر همت بریندند و دور از هر نوع جهت‌گیری شخصی و با صداقت و شوری که لازمه مددکار اجتماعی بودن است، در این راه خطیر تشریک مساعی کنند و خط سیر اندیشه‌ها و گرایشهای جدید را به علاقه‌مندان پرشور نشان دهند تا هر کس بر مبنای میزان عشق خود به انسانها و شوق به آموختن هرچه بیشتر، در راه گسترش دانش خویش گام بردارد. مسئولیت حرفه‌ای ما، برداشتن گامهای سریع برای پر کردن فاصله عمیقی است که بین ما و همتایان جهانی ما وجود دارد و انکار آن نه تنها مشکلی را حل نمی‌کند، بلکه عمق این فاصله را بیشتر خواهد کرد. به طوری که، پر کردن آن غیرممکن خواهد شد.

تردیدی نیست که ترجمه حاضر خالی از نقص نیست و امید که همکاران دلسوز، با انتقادهای و رهنمودهای سازنده، مترجم را در رفع اشکالات یاری دهند.

فریده همتی

پیشگفتار

نوشتن کتابی درباره کار جامعه‌ای تا حدودی مانند به تصویر کشیدن پل فورث^۱ است (نزدیک ادینبورگ^۲ در اسکاتلند)، که به محض شدن باز باید آن را از سرگرفت. گرچه اصول عملی که در چاپهای قبلی این کتاب شرح دادم، هنوز تا حدود بسیار زیادی کاربرد دارد، زمینه‌های کار در موارد زیادی تغییر چشمگیری کرده است. برای مثال، در سال ۱۹۷۰ کار جامعه‌ای دست کم در بریتانیا رابطه بسیار نزدیکی با مددکاری اجتماعی داشت. امروزه، به نظر می‌رسد که به برنامه‌ریزی و احیای اقتصادی ارتباط می‌یابد. در دهه ۱۹۸۰ جنبش «اقدام ابتکاری جامعه‌ای» در بریتانیا از مسائل بسیار مطرح روز بود، در حالی که، در دهه قبل از آن مطلقاً چنین تصویری به ذهن کسی خطور نمی‌کرد. علاوه بر این، تعداد زیادی از مؤسسه‌های خدماتی مثل مؤسسه‌های مربوط به بهداشت، مسکن، محیط‌زیست، یا پیشگیری از جرم، در تلاش بودند که جامعه را، هرچه بیشتر، در طرح‌ریزی و ارزیابی خدمات دخالت دهند.

همچنین، آنچه در چاپ قبلی به عنوان «سنت نهادی» کار جامعه‌ای توصیف کردم، امروز هیچ مفهوم مجزایی ندارد (شاید هرگز نداشته است). در عوض، کارهایی را که به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر آن سنتها ذکر کردم، امروز می‌تواند کار «برای دولت» (به جای کار علیه آن) در زمینه برابری فرصتها یا سایر کارهای مرتبط باشد.

با توجه به تمام این دلایل، امروز گرچه تعداد انگشت‌شماری از مددکاران به

1. Forth

2. Edinburgh

کار جامعه‌ای می‌پردازند، مهارت‌های آنان و ارزشهای زیربنایی این کار در سطحی بسیار گسترده‌تر برای تعداد زیادی از محله‌های کار مددکاری مورد نیاز است. در بریتانیا اهمیت نظریه‌های مهمی مثل درگیر کردن جامعه و مشورت با اعضای آن و تحکیم قابلیت‌ها و به‌کارگیری آن (که در هر حال به کار ما معنا می‌بخشد)، امروزه در سطحی بسیار وسیع مورد تأیید قرار گرفته است. با این حال، رویکردهای مبتنی بر این عقاید، معمولاً محور ابتکار عمل در خط‌مشی‌های عمومی اجتماعی نبوده، بلکه این خط‌مشی‌ها معمولاً بر پایه تفکرات ضعیف و جانبی طرح‌ریزی شده است.

با وجود این، در بسیاری از مناطق، به دلایل مختلف، این واقعیت مورد قبول واقع شده است که سازمان‌دهی مناسب برای ایجاد جوامع سالم، نه‌تنها کمک بزرگی به اعضای جامعه خواهد کرد، بلکه ارائه خدماتی را تسهیل می‌کند که در جامعه فاقد سازمان‌دهی کارایی لازم را نخواهد داشت.

بنابراین، هدف از چاپ سوم کتاب مطرح کردن اطلاعاتی است که در زمینه‌های جدید کار جامعه‌ای کاربرد دارد و برای مددکاران این شاخه کار (البته بنیان‌گذاران یا مدیران کار جامعه‌ای) سرنخهایی درباره نحوه کار کردن در جوامع فراهم می‌کند. در عین حال، نحوه استفاده از رهنمودهایی که در چاپ‌های قبلی مطرح شد، در این چاپ گنجانده شده است.

البته، خود من به‌عنوان نویسنده نیز تغییراتی در نظریاتم داده‌ام. چاپ اول کتاب را در سومین دهه کارم در این رشته نوشتم و بنابراین، گرچه مبتنی بر منابع علمی زیادی بود، تجربه شخصی‌ام در این کار زیربنای اصلی کتاب را شکل داد. چاپ دوم، درست سیزده سال بعد از کار عملی در زمینه تدریس مددکاری جامعه‌ای و اجرای تحقیقاتی در این زمینه نگاشته شد و ناگزیر، هم نظریه‌های زیادی را دربر می‌گیرد (از نظریه پردازان بریتانیا و نظریه پردازان جهانی) و هم کار عملی دانشجویانم را نشان می‌دهد.

از سال ۱۹۸۹ مجدداً وارد کار عملی در این رشته شدم، اما حوزه کارم

سازمان ملی بوده که در حال حاضر برای ارتقای کار جامعه‌ای فعالیت دارد (بنیاد توسعه اجتماعی). در این دوره، طرحهای زیادی را به جریان انداختم، کارکنان زیادی را اداره کردم، با مسئولان سطح بالای دولت مرکزی و محلی و سیاستمداران از نزدیک همکاری داشتم، و در موارد معدود، با بخش تجارت برای بهره‌گیری از منابع آنها و تشویق دیگران به سرمایه‌گذاری در برنامه توسعه اجتماعی، تماس داشتم. همچنین، در بازدید از سایر کشورها، برخی از جنبه‌های کار جامعه‌ای آنها را یاد گرفتم. مهم‌تر از همه، به این اعتقاد رسیدم که گرچه زمینه‌های کار در کشورهای مختلف با یکدیگر تفاوت دارد، اما جنبه‌های جهانی و مشابهی نیز دارد. اکنون کاملاً آگاهم که نوشته من می‌تواند در بسیاری از کشورهای دیگر نیز کاربرد داشته باشد. به همین دلیل، کوشیدم به جای تکیه بر زمینه‌های سازمانی و قانونی که منحصراً در بریتانیا کاربرد دارد بر مسائل جهانی تأکید داشته باشم. همچنین، اعتقادم بر این است که ارزشها و مهارتهای جامعه‌ای در آینده برای بسیاری از کشورها کاربرد بسیار زیادتری خواهد داشت و به همین دلیل، کاری است برای تمام ادوار.

صرفاً می‌توانم به شما به‌عنوان خواننده بگویم که از دیدگاه من، کار جامعه‌ای چیست و امیدوارم این اندیشه‌ها با موقعیت شما انطباق داشته باشد. اگر این کتاب تجربه‌های شما را دربر نمی‌گیرد یا تجارب دیگری دارید که در اینجا نیامده است، لطفاً با اینجانب در میان بگذارید.

بر خود لازم می‌دانم از این افراد سپاسگزاری کنم: آنانی که با من موافق نبودند و برای مثال مرا وادار کردند تا درباره نظریاتم فکر کنم؛ آنهایی که با محبت و احترام خود مرا تشویق کردند تا بپذیرم که حرف مفیدی برای گفتن دارم؛ تمام کسانی که مطالبی به من آموختند، و البته، تمام افرادی که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم مرا در پدید آوردن کتاب یاری دادند؛ از جمله، ماشین‌نویسم گوینث گودهد و تام‌بل، استیو فارستر، استیو اسکینر، جنی سایر، روث مارکز، پیتر

هیرست، تونی کلی، کورمک مک آلیر، پاملا کوتس، پائول هندرسون، کریستین فورت، ژیلبرت دیف، هالی اینگرام، آلیسون گیل چریست، سوکینگ، استوارت هاشاگن، کریس اوون، لیدا مریل، سوزان هاگت، روبرت کورنوال، شارلی گارات، سوزان آلن، نیاهیگینبوٹام، کارول گرین، آنا فریمن، سیاران ترینور، اولیور توئلوتریز و کاترین مکرث.

آلن توئلوتریز